روزنه

نامه بیش از ۳۰۰ نفر از استادان حقوق به رئیس قوه قضائیه

● **شرق:** در پاسخ به فراخوان قوه قضائیه و دعوت از استادان و صاحب‌نظران حقوقی برای اظهارنظر درباره پیش‌نویس اصلاح آیین‌نامه اجرائی لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری، بیش از ۳۰۰ نفر از استادان حقوق دانشگاه‌های کشور با ارسال نامه‌ای به حجت‌الاسلام‌والمسلمین رئیسی نظر خود را اعلام کردند. ازجمله امضاکنندگان این نامه می‌توان به استادان پیش‌کسوتی مانند آقایان دکتر محمدعلی اردبیلی، دکتر گودرز افتخارجهرمی، دکتر ابراهیم بیگ‌زاده، دکتر حسنعلی درودیان، دکتر محمدرضا ضیایی‌بیگدلی، دکتر محمود عرفانی، دکتر ایرج گلدوزیان و دکتر سیدمحمد هاشمی اشاره کرد. گفتنی است که پیش از این نیز نامه‌های دیگری ازسوی جمعی دیگر از استادان سرشناس همچون آقایان دکتر ربیعا اسکینی، دکتر سیدحسین صفایی، دکتر سیدمحمود کاشانی و دکتر محسن محبی با محتوای مشابهی خطاب به ریاست قوه قضائیه ارسال شده بود. ضمنا نامه‌ای با امضای بیش از ۱۲ هزار وکیل و نیز نامه دیگری ازسوی ۱۸۰ قاضی بازنشسته با همین مضمون منتشر شده است. در این بیانیه تأکید شده است: «همان‌گونه که مستحضرید معاونت محترم حقوقی قوه قضائیه پیش‌نویس آیین‌نامه جدید لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳ را تهیه و اخیرا طی فراخوانی از حقوق‌دانان کشور دعوت نموده است که درمورد آن اظهارنظر نمایند. همین دعوت، با ارسال گسترده پیامک ازسوی پژوهشگاه قوه قضائیه به مخاطبان آن نیز تکرار شده است». در ادامه آمده است: «تهیه متنی به عنوان پیش‌نویس آیین‌نامه، بدون رعایت ماده ۲۲ لایحه و بدون توجه به نقش و جایگاه مستقل کانون‌های وکلای دادگستری، اقدامی خلافِ قانون بوده و برازنده قوه قضائیه و معاونت حقوقی آن نیست. در هر کشوری، حاکمیت قانون سنگ‌بنای توسعه پایدار به‌شمار می‌رود و التزام به آن توسط معاونت حقوقی قوه قضائیه مورد انتظار آحاد افراد جامعه است. متأسفانه این معاونت، در تهیه پیش‌نویس مذکور، رأسا و بدون وصول پیشنهادی از کانون‌های وکلا، اقدام به این امر نموده است، درحالی‌که به حکم صریح آن ماده، «تنظیم» آیین‌نامه باید توسط «کانون وکلا» صورت گیرد و مقام «تصویب» نمی‌تواند امور مربوط به جایگاه مقام «تنظیم» را عهده‌دار گردد. ادعای اینکه مقام تصویب متن، اختیار اصلاح آن را دارد نیز قابل دفاع به نظر نمی‌رسد، زیرا با توجه به حکم صریح ماده ۱ این لایحه قانونی مبنی‌بر اینکه «کانون وکلا دادگستری مؤسسه‌ای است مستقل» و با توجه به سابقه تقنینی، به‌راحتی می‌توان دریافت که مقصود قانون‌گذار در ماده ۲۲ واگذاری تدبیر اداره بعدی کانون بعد از تصویب هم بر عهده کانون وکلا به عنوانِ نهادی مستقل بوده است. به دیگر سخن، اگر قرار بود که حق تنظیم اولین آیین‌نامه برای کانون باشد، اما در آیین‌نامه‌های بعدی، این حق حتی به اسم اصلاح آیین‌نامه اولیه، برای نهادی دیگر درنظر گرفته شود و بر این اساس بتوان هر نوع تغییری را در آیین‌نامه ایجاد نمود، این امر نقض غرض و آشکارا بر خلاف استقلال به‌رسمیت شناخته‌شده در ماده ۱ قانون بود. صرفِ‌نظر از نکات فوق، چرایی ضرورت استقلال کانون وکلا ریشه در مبانی مستحکمی دارد که مآلا بالندگی نظام قضائی را درپی دارد. در واقع، استقلال وکیل دادگستری و کانون وکلا منطبق بر اصول کلی حقوقی و اسناد بین‌المللی و موافق با بنای عقلاست. از این‌روست که از دیدگاه اندیشمندان حقوق، استقلال وکیل و کانون وکلا، پیش‌شرط قطعی و لازم برای استفاده از حق دفاع است؛ حقی که قانون اساسی در اصل ۳۵ خود آن را در زمره حقوق ملت دانسته است و تضمین‌کننده امنیت قضائی و دادرسی منصفانه به شمار می‌رود. نهادی مستقل در امر وکالت، نیرویی توانمند در کنار دستگاه قضاست که در موارد مختلف می‌تواند ضعف‌ها و کژی‌ها را یافته، آنها را بیان نماید و به بالندگی دستگاه قضا و گسترش عدالت در کشور کمک کند».

در پایان هم این حقوق‌دانان نوشته‌اند: «به‌واقع، نمی‌توان از استقلال وکیل سخن گفت، اما بعد از گذشت بیش از شصت سال از استقلال کانون وکلا و بیش از چهل سال از پیروزی انقلاب اسلامی، از رهگذر تدوین آیین‌نامه‌ای مغایر با قانون، کانون وکلا را به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از دستگاه قضائی به‌شمار آورد. نمی‌توان از استقلال کانون وکلا سخن گفت، اما در عمل، برای تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی برای وکلا از نهاد صنفی خودشان سلب اختیار نمود. نمی‌توان دغدغه اعتبار کشور را در دل داشت، اما در برابر چنین آیین‌نامه‌ای که وجاهت بین‌المللی نظام قضائی کشور را به زیر سؤال می‌برد، دم فرو بست و سخنی نگفت. اینجانبان رجاء واثق داریم که جناب‌عالی به‌عنوان سکان‌دار دستگاه قضا، به‌منظور رعایت مصالح عالیه نظام قضائی کشور، دستور توقف اقدامات آغازشده در این خصوص در معاونت حقوقی را صادر نموده و اجازه نخواهید داد که با وضع آیین‌نامه، شیوه‌ای بر خلاف متن و روح قانون انتخاب شود».

حکایت همچنان باقی است

علی مطهری در آخرین روزهای نمایندگی از خطر تک‌صدایی و لزوم اصلاح ساختار می‌گوید

عکس: سهند تاکی، شرق

امیرمحمد حسینی: گاهی میان صحبت‌هایش مکث‌های طولانی دارد، اما همین که می‌خواهی سکوت را بشکنی و سراغ سؤال بعدی بروی، دوباره سخنانش را از سرمی‌گیرد. سعی می‌کند کلمات تا جای ممکن سنجیده ادا شود. ماه رمضان است و کرونا هنوز مثل شبحی بالای سرمان می‌چرخد. همین‌ها کافی است تا هر مصاحبه‌ای بر هم بخورد؛ اما نه وقتی قرار مصاحبه با علی مطهری به‌بهانه سالگرد شهادت استاد مطهری گذاشته شده است. او این روزها در جدال با شورای نگهبان است و در آخرین نطق‌هایش در مجلس هم یک نکته بیش‌از پیش برجسته شده است؛ خطر فاصله‌گرفتن از اصول و ارزش‌های انقلاب و اندیشه‌های استاد مطهری و امام خمینی. او در اظهارنظرهای اخیرش چند باری از گفته‌های امام خمینی یاد کرده است. اینکه به گفته امام، در جمهوری اسلامی حتی کمونیست‌ها حق اظهارنظر دارند یا به اعتقاد شهید مطهری، احزاب غیراسلامی نیز باید بتوانند با تابلوی خودشان فعالیت کنند. مطهری حالا مدت‌هاست به همه اینها اشاره می‌کند و می‌گوید نگران آینده انقلاب است. اینکه او چطور این موضع را تبیین می‌کند محور گفت‌وگوی ماست. درحالی‌که بعد از ۱۲ سال سیاست‌ورزی به‌عنوان نماینده تهران در مجلس رد صلاحیت شده و حالا باید پارلمان را هم ترک کند. هرچند معتقد است در مجلس یا خارج آن، هر جا احساس ضرورت کند اظهارنظر می‌کند. بحث با او چند روزی بعد از سالگرد شهادت استاد مطهری با فاصله‌ای که کرونا بین ما انداخت، آغاز می‌شود. ابتدا گفت‌وگو سویه‌های تاریخی دارد، اما خواه‌ناخواه جنبه انضمامی پیدا می‌کند و به مسائل روز جامعه می‌رسد. نقطه‌نظرهای مطهری حالا بعد از سه دوره نمایندگی از وجوه مختلفی قابل توجه است و البته تغییرات زیادی هم کرده است. او حالا از لزوم تغییر ساختار و اراده ملی برای اصلاح سخن می‌گوید؛ از خطر نگاهی که در این سال‌ها بر کشور حاکم شده است و هیچ نظر مخالفی را برنمی‌تابد.

۴۱ سال از ترور شهید مطهری می‌گذرد. این عدد با اختلاف چند ماه، برابر با عمر جمهوری اسلامی است. شهید مطهری را یکی از ایدئولوگ‌های اصلی جمهوری اسلامی می‌دانند و حتی پس از شهادت، امام خمینی ایشان را حاصل عمر و پاره تن خود می‌داند. قبل از اینکه به بررسی مبانی نظری و اندیشه‌های شهید مطهری برسیم نقش ایشان را در بزنگاه‌های اندک زمان پیروزی انقلاب اسلامی تا شهادت مرور کنیم. نظر ایشان درباره دولت موقت چه بود؟

شهید مطهری آقای بازرگان را به‌عنوان نخست‌وزیر دولت موقت به امام خمینی معرفی کردند. البته پیشنهاد از طرف شورای انقلاب بود، ولی استاد مطهری رابط شورا با امام و عنصر تشکیل‌دهنده شورای انقلاب بود. امام آقای بازرگان را دورادور می‌شناخت و به‌دلیل اعتماد به شهید مطهری پیشنهاد را پذیرفت. این تصمیم در آستانه پیروزی انقلاب تصمیم درستی بود و باعث شد انقلاب ما زودتر پیروز شده و حساسیت غربی‌ها کمتر شود.

پس شهید مطهری نگاه مثبتی به دولت موقت داشت.

بله. درواقع دولت موقت را ایشان روی کار آورده بود. اعضای آن بیشتر همان اعضای انجمن اسلامی پزشکان و انجمن اسلامی مهندسین بودند که استاد مطهری از دیرباز جلسات سخنرانی با آنها را داشت. اما ایشان پس از چند ماه از عملکرد آقای بازرگان ناراضی بودند. همان روزی که شبش ایشان ترور شدند، هنگام ناهار بحثی دراین‌باره شد. من گفتم آقای بازرگان در مصاحبه اخیرش به امام گوشه و کنایه می‌زد. ایشان پرسید خودت شنیدی؟ گفتم بله. گفتند، امام هم کمی ناراحت است و تصمیم داریم این دولت را ظرف چند روز آینده عوض کنیم. درواقع ایشان معتقد بودند دولت موقت رسالتش را انجام داده است. اما ایشان که شهید شد مسئله تغییر کرد و دیگر کسی این موضوع را دنبال نکرد تا به تسخیر سفارت آمریکا منجر شد. درحالی‌که به نظر من اگر ایشان بود خیلی از مسائل به شکل دیگری اتفاق می‌افتاد و این موضوع قطعا به تسخیر سفارت نمی‌رسید. حتی اگر تسخیر سفارت اتفاق می‌افتاد ایشان به هر طریق مانع می‌شدند، چون موافق این قبیل کارها نبودند.

از روزهای مدرسه رفاه تا شهادت، از این دست اقدامات انقلابی رخ داده بود که ایشان مانع شود؟

با روند کلی انقلاب که قطعا مخالفتی نداشتند. اما می‌دانم درباره اعدام‌هایی که آقای خلخالی انجام می‌داد نگرانی داشتند و چند بار به او پیغام توأم با عتاب داده بودند. در موضوع محاکمه هویدا هم گویا اقدام کرده بودند که کمی دست نگه دارند و محاکمه صرفا در یک جلسه تمام نشود. طبعا با برخی اعدام‌های بی‌حساب موافق نبودند. ایشان از نظر خلق‌وخوی شخصی نیز رئوف و دل‌رحم بودند. از قبل انقلاب منزل ما نزدیک منزل سپهبد صدری رئیس کل شهربانی بود. جالب است، پاسبانی که حفاظت از منزل او را به عهده داشت شب‌ها از پشت پنجره متوجه نماز شب خواندن شهید مطهری شده بود و رفته‌رفته به ایشان ارادت پیدا کرده بود. ما می‌دیدیم پدرم که می‌خواست سوار ماشین بشود پاسبان خودش را می‌رساند و سلام نظامی می‌داد. بعد از انقلاب، آن پاسبان آمد و این مطلب را برای ما بیان کرد. به هر حال پس از انقلاب همسر سپهبد صدری به در منزل ما می‌آمد و التماس می‌کرد که کاری کنید تا او اعدام نشود. پدرم به مادرم گفته بود که تحمل دیدن این صحنه‌ها را ندارم. یا در بحبوحه پیروزی انقلاب گاهی کارهای نادرستی به‌طور خودجوش انجام می‌شد. مثلا خبر آمد که عده‌ای می‌خواهند کتابخانه ملی را که کنار مجلس شورای ملی بود، آتش بزنند. شهید مطهری به این مسائل حساسیت داشت. بلافاصله دستور دادند که نیروهایی بروند و جلوی این کار را بگیرند چون لکه ننگی برای انقلاب خواهد بود. انتقال امام خمینی از مدرسه رفاه به مدرسه علوی هم کار استاد مطهری بود. ایشان می‌دانستند که در مدرسه رفاه افرادی متمایل به مجاهدین خلق حضور دارند. خانم بازرگان، مدیر مدرسه، همسر محمد حنیف‌نژاد از مؤسسان سازمان مجاهدین خلق بود. طبق نقل آقای ناطق‌نوری، شهید مطهری صبح ظاهرا ۱۴ بهمن به مدرسه رفاه آمد و امام تازه صبحانه خورده بودند. ایشان دست امام را گرفت و چیزی به ایشان گفت و هر دو سوار پیکان آقای ناطق شدند و به مدرسه علوی رفتند. امام تا این حد به شهید مطهری اطمینان داشت که با گفتن چند جمله قبول کرده بودند که به مدرسه علوی بروند. ایشان در آن ۱۰ روز ۱۲ تا ۲۲ بهمن عمدا در کنار امام بود تا رفت‌وآمدها و ارتباطات را کنترل کند و از نفوذ تیپ‌هایی مثل مجاهدین خلق و افراد التقاطی در دستگاه رهبری انقلاب جلوگیری کند.

پیش از آن شهید مطهری مسئول کمیته استقبال از امام هم بودند. در آن مقطع هم گویا مانع حضور خانواده مجاهدین خلق در مراسم می‌شوند که قرار بوده پیامی را بخوانند. حتی تهدید می‌کنند که اگر این اتفاق رخ دهد از امام جدا می‌شوند. از سوی دیگر ایشان معتقد است که همه باید بتوانند نظر خود را بدون هیچ مانعی بگویند. این اقدام با دیدگاه ایشان درباره آزادی بیان تناقض ندارد؟

خیر. این دو مطلب ربطی به هم ندارند و در نتیجه تناقض نیست. قضیه این بود که عده‌ای با اطرافیان امام در فرانسه هماهنگ کرده بودند که مادر رضایی‌ها، از کشته‌شدگان مجاهدین خلق، به‌عنوان نماینده خانواده‌های شهدا پیام این خانواده‌ها را در حضور امام در مراسم بهشت‌زهرا در روز ورود امام بخوانند. در آن ایام برخی همراهان امام در فرانسه گرایشی به مجاهدین خلق داشتند. شهید مطهری شب قبلش به احمدآقا پیغام داده بود که به امام بگویید اگر با این برنامه موافقت کرده‌اید من دیگر با شما کاری ندارم و البته امام نظر شهید مطهری را پذیرفته بود. ایشان در آنجا از نفوذ فرصت‌طلب‌هایی که امام و انقلاب اسلامی را قبول نداشتند جلوگیری کردند؛ این به معنی محدودکردن آزادی بیان نیست. آنها می‌توانستند حرف خود را بزنند و در مباحثه‌ها و مناظره‌ها شرکت کنند. در مقام فکر همه آزاد هستند که حرف بزنند. اما گاهی گروهی که سران آنها مارکسیست بودند و به دروغ از اسلام دم می‌زدند و آیه قرآن می‌خواندند، می‌خواستند در کنار امام قرار بگیرند و از محبوبیت ایشان استفاده کرده و کم‌کم در دستگاه رهبری انقلاب نفوذ کنند. شهید مطهری می‌گفت اجازه نمی‌دهیم که فرصت‌طلب‌ها نفوذ کنند. ویژگی شهید مطهری این است که وقتی بحث حقیقت‌جویی و تفکر و مباحثه وجود دارد، راه باز است و همه آزاد هستند حرفشان را با صداقت بزنند. وقتی پای نفاق و فرصت‌طلبی به میان آمد البته باز هم حق دارند حرفشان را بزنند ولی ما هم حق داریم بگوییم اینها دروغ می‌گویند و پست‌های کلیدی را به آنها ندهیم.

درواقع مرز آزادی بیان از نظر شهید مطهری نفاق است.

بله. ایشان می‌گوید آنها در جلسات خصوصی‌شان می‌گفتند تا فلان جا با امام هستیم و بعد اقدامات خود را انجام می‌دهیم. خب نمی‌توان گفت که اینها اجازه ورود به رهبری نهضت و اشغال پست‌های کلیدی را داشته باشند. اما در مقام بحث علمی و فکری و اظهارنظر باید آزاد باشند. حتی استاد مطهری سال ۵۵ پیشنهاد کردند که در دانشکده الهیات دانشگاه تهران کرسی درس مارکسیسم‌شناسی گذاشته شود. در نامه‌ای به رئیس دانشکده نوشته بودند که چند واحد درس مارکسیسم‌شناسی قرار دهید و استادی که واقعا به مارکسیسم اعتقاد دارد و به خدا هم اعتقاد ندارد، عهده‌دار آن باشد و ما هم حرف‌هایمان را بزنیم و دانشجوها بشنوند. در همان مقطع بود که به دلیل درگیری دانشجویان با آقای آریان‌پور، استاد کمونیست دانشکده و مداخله استاد مطهری، هر دو را بازنشسته کردند. این پیشنهاد را در سخنرانی‌شان درباره مفهوم آزادی در آستانه پیروزی انقلاب هم تکرار کردند. ایشان در مقام تفکر و بیان اعتقاد داشتند که همه باید آزاد باشند، اما جایی که نفاق و فریبکاری در کار است، مثل داستان مجاهدین خلق که سرانشان مارکسیست بودند و می‌خواستند عقایدشان را در پوشش آیات قرآن و روایات به خورد جوانان بدهند، باید آنها را رسوا کرد و طبعا نمی‌شود از آنها در پست‌های حساس استفاده کرد. طبعا مرز آزادی بیان اقدامات عملی علیه نظام خصوصا اقدام مسلحانه است.

آیا نمی‌توان همین دیدگاه درباره آزادی بیان را به امروز تعمیم داد؟

بله، شهید مطهری نمی‌گفتند که این افراد حذف یا زندانی شوند. ایشان می‌گفتند نباید در دستگاه رهبری نهضت وارد شوند؛ چون فکر اسلامی ندارند. ولی می‌توانند حرفشان را بزنند و ما هم جواب می‌دهیم. نمی‌توانند پست کلیدی بگیرند اما می‌توانند فعالیت اجتماعی و سیاسی داشته باشند. از دیدگاه ایشان در جمهوری اسلامی حتی احزاب غیراسلامی حق فعالیت دارند؛ مشروط به اینکه با تابلوی خودشان فعالیت کنند و دیگر آیه قرآن نخوانند. اگر می‌خواهند تظاهرات کنند، عکس امام را نیاورند، مثلا عکس لنین و مارکس را بیاورند تا مردم فریب نخورند. می‌توانند فعالیت کنند و طبعا نماینده در مجلس داشته باشند. البته اکنون قانون اساسی این اجازه را نمی‌دهد اما استاد این موضوع را مطرح کرده بودند و در زمان تدوین قانون اساسی هم که حضور نداشتند. اگر حضور داشتند ما قانون اساسی قوی‌تر و غنی‌تری داشتیم. وقتی بحث تفکر و تعقل و حقیقت‌جویی است، ایشان خیلی باز برخورد می‌کند؛ اما جایی که احساس نفاق می‌کند، شدید برخورد می‌کند. تفاوت نوع برخوردشان با مهندس بازرگان و مجاهدین خلق را ببینید. ایشان به برخی افکار و برداشت‌های مهندس بازرگان از اصول عقاید انتقاد داشت. مباحثی که آقای بازرگان در کتاب «راه طی‌شده» یا «ذره بی‌انتها» درباره نبوت، معاد و توحید دارد، بیشتر بر علوم تجربی استوار است و یک نوع علم‌زدگی بر آن حاکم است. شهید مطهری برخی از این نظرات را نقد می‌کنند. در جلسات انجمن اسلامی پزشکان که نوارهای صوتی آن موجود است دراین‌باره بحث می‌شود و آقای بازرگان هم صحبت می‌کند. اما با همه نقدهایی که داشتند، معتقد بودند آقای بازرگان صداقت دارد و دنبال حقیقت است، از روی فکر به این نظرات رسیده و نگاه خاصی دارد، علت آن هم این است که صرفا با علوم تجربی آشناست و با فلسفه آشنا نیست. بنابراین برخورد ایشان با آقای بازرگان خیلی دوستانه بود و تا آخر با هم دوست بودند. اما با مجاهدین خلق، چون در آنها احساس نفاق می‌کردند، برخورد شدیدی داشتند.

آقای مطهری امروز وقتی درباره ناکارآمدی نهادهایی مثل مجلس صحبت می‌کنیم، فارغ از عوامل تأثیرگذار بیرونی، عامل تحزب همواره مطرح می‌شود. چطور چنین نگاهی اوایل انقلاب به حزب و فعالیت حزبی وجود دارد و حتی کمونیست‌ها را آزاد می‌گذارد اما پس از چهار دهه می‌توان گفت که حزب و فعالیت تأثیرگذار حزبی وجود ندارد و همواره هم به خلأ آن اشاره می‌شود؟

شاید نگاهی بر برخی جریان‌ها مخالف و منتقد را به رسمیت نمی‌شناسد. می‌گوییم یا همه باید مطیع محض باشند یا کنار بروند و این نگاه خیلی خطرناک است. متأسفانه برخی از روش‌هایمان را هم به امام نسبت می‌دهیم. یعنی می‌گوییم امام در فلان جا این‌طور رفتار کرد یا می‌گوییم امام با فلان گروه این‌طور برخورد کرد و ماهم باید همان کار را بکنیم. درحالی‌که شرایط آن روز شرایط جنگی بوده. اگر امام عتاب کرد که قلم‌های مسموم باید شکسته شود و تعداد زیادی روزنامه بسته شد، کشور در حال جنگ بود. در آن مقطع روزنامه‌هایی بود که پشت جبهه را تضعیف و روحیه مردم را خراب می‌کردند. یا نامه‌ای درباره نهضت آزادی را به امام منسوب می‌کنند که صحت آن برای من هنوز قطعی نیست و با همان نامه با آنها برخورد شد. باید توجه داشت که اگر هم مطلبی بوده به دوران جنگ برمی‌گردد. اینها مخالف جنگ بودند و نظر خود را اعلام می‌کردند، احساس می‌شد که پشت جبهه و روحیه رزمندگان تضعیف می‌شود. به‌هرحال نکته اینجاست که روش‌های دوران جنگ قابل‌تعمیم به همه دوران‌ها نیست. اگر امام مثلا پنج سال دیگر هم پس از جنگ زنده می‌ماند و سیره و روش ایشان را در شرایط غیرجنگی می‌دیدیم، آن وقت ملاک عمل بود.

وقتی سازمان درستی وجود ندارد، افراد صالح هم نمی‌توانند آرمان‌های‌شان را اجرا کنند؛ چراکه در این سازمان هضم و در نهایت حذف می‌شوند به نظرم مشکل ما سازمان است که امروز به آن ساختار می‌گویند؛ بنابراین ساختار ما مشکل دارد. به طور مثال اینکه بخش خصوصی ما ضعیف است و نمی‌تواند قوی و چابک باشد، به سازمان و ساختار نظام اقتصادی چندبخشی ما برمی‌گردد

شما معتقد هستید که برنتابیدن هر نظر مخالفی، علت شکل‌نگرفتن فعالیت‌های حزبی در کشور است؟

بله. تحمل‌نکردن مخالف و خارج‌کردن او از دایره انقلاب و کوچک‌کردن این دایره، روشی بوده که متأسفانه به کار رفته و انقلاب را هم در معرض خطر قرار داده است. نتیجه این روش، انتخاباتی بود که با مشارکتی پایین برگزار شد. این میزان از مشارکت را باید به‌عنوان زنگ خطری دانست که بیشتر ناشی از همین نگاه است که هرکس را که اندک زاویه‌ای با نظرات و سیاست‌های رسمی کشور دارد، از قطار انقلاب پیاده و حذف می‌کنیم.

فکر هم می‌کنیم که راه حفظ انقلاب این است؛ درحالی‌که اشتباه می‌کنیم. حتی تفسیر غلطی هم از جمله امام درباره حفظ انقلاب شده است. ایشان به این مضمون می‌گوید که حفظ انقلاب بالاتر از همه چیز است و این جمله چنین تفسیر شده که برای حفظ انقلاب می‌توان از هر وسیله‌ای استفاده کرد؛ درحالی‌که برای هدف مقدس نمی‌توان از وسیله نامقدس استفاده کرد. بالاخره باید نگاه‌مان را تغییر دهیم و قبول کنیم که وجود مخالف‌ها و منتقدها به نفع انقلاب است. همیشه وجود یک اقلیت مخالف حتی به نفع اکثریت موافق است؛ چون باعث حرکت‌شان می‌شود. سرکوب‌کردن و کنارزدن همه و باقی‌ماندن عده‌ای افراد مطیع و احیانا متملق، خطرناک است. باید این رویه را تغییر دهیم. شهید مطهری درباره آزادی مخالف تأکید بسیاری دارد. این یک ضرورت است. نمونه و الگوی ما حکومت علی(ع) است. باید به نوع برخورد ایشان با خوارج در زمان خلافت خودشان توجه کنیم. آنها گاهی به خلیفه مسلمانان توهین کرده و مزاحم نمازخواندن و خطابه ایشان می‌شدند؛ اما حضرت مزاحمتی برای این افراد ایجاد نکرد، حقوق‌شان را از بیت‌المال قطع نکرد و آنها را زندانی نکرد. تنها زمانی که سلاح به دست گرفتند، با آنها برخورد کرد.

به‌تازگی در اظهارنظرها فاصله‌گرفتن از اندیشه‌های شهید مطهری و مبانی اولیه را بیش‌ازپیش مطرح می‌کنید. می‌توانید آن اصولی را که به نظر شما از آنها فاصله گرفته شده، چارچوب‌بندی کنید؟

از نظر آزادی بیان قطعا تا نقطه ایدئال و نظرات شهید مطهری فاصله داریم. روشن است که از نظر اجرای عدالت نیز موفق نبوده‌ایم که بخشی از آن به خاطر ضعف مدیریت بوده است. البته دستاوردهایی به‌ویژه در سال‌های اول انقلاب داشته‌ایم، مانند کم‌شدن فاصله امکانات رفاهی روستاها و شهرها. در مسئله عدالت از نظر تئوری خیلی صحبت کرده‌ایم. همه از عدالت دم می‌زنند و کسی نیست که مخالف عدالت باشد؛ اما مهم اجرای عدالت است. هرکسی نمی‌تواند ادعای اجرای عدالت داشته باشد. شهید مطهری بحثی دارد که در آن ارجحیت سازمان صالح یا فرد صالح را مطرح می‌کند. ایشان می‌گوید آیا سازمان صالح اولویت دارد یا فرد صالح؟ آیا افراد صالح مثلا قهرمانان اجتماعی می‌توانند جامعه را اصلاح کنند یا نظام صالح؟ نکته اینجاست که در سازمان و سیستم صالح هرچه افراد جابه‌جا شوند، سازمان اجازه فساد نمی‌دهد؛ اما وقتی سازمان درستی وجود ندارد، افراد صالح هم نمی‌توانند آرمان‌های‌شان را اجرا کنند؛ چراکه در این سازمان هضم و در نهایت حذف می‌شوند به نظرم مشکل ما سازمان است که امروز به آن ساختار می‌گویند؛ بنابراین ساختار ما مشکل دارد. به طور مثال اینکه بخش خصوصی ما ضعیف است و نمی‌تواند قوی و چابک باشد، به سازمان و ساختار نظام اقتصادی چندبخشی ما برمی‌گردد. این نظام چند بخش دارد؛ بخش دولتی، خصولتی، حکومتی، نظامی و بخش کوچک خصوصی. در چنین شرایطی نمی‌توانیم از فرصت‌ها به‌درستی استفاده کنیم؛ مثلا شرکت‌های بزرگ خصوصی وجود ندارد تا وقتی در قطر به دلیل تحریم‌های عربستان فرصتی برای‌مان ایجاد شد، بازار قطر را به دست بگیریم. در مقابل، ترکیه به‌سرعت این کار را کرد؛ چون شرکت‌های خصوصی بزرگ و چابک دارند. یا زمانی که رابطه ترکیه و روسیه به خاطر سرنگونی هواپیمای روسی به هم خورد، فرصت خوبی ایجاد شد که ایران جای ترکیه در اقتصاد روسیه را پر کند؛ اما چون شرکت‌های خصوصی بزرگ نداشتیم، نتوانستیم این کار را انجام دهیم.

اساسا در این ساختار، شرکت‌های خصوصی بزرگ توان شکل‌گیری ندارند.

بله. باید این نقص را رفع کنیم؛ مثلا ورود نظامی‌ها به اقتصاد و دراختیارگرفتن بسیاری از پروژه‌های بزرگ باعث تبدیل‌شدن آنها به کارتل‌ها و تراست‌های بزرگ می‌شود. سیاست ورود نیروهای نظامی در جایی که شرکت‌های خصوصی قادر به اجرا نیستند، می‌تواند سیاست خوبی باشد و باعث شود تا از توان آنها استفاده شود؛ ولی اینکه آنها پروژه‌ها را بین شرکت‌های مختلف تقسیم کنند، به نظرم مشکل ایجاد می‌کند و خطرناک است؛ چون آنها را از هدف اصلی خود بازمی‌دارد. همین‌طور سازمان‌هایی که اول انقلاب با هدف خاصی به وجود آمدند و هنوز هم هستند؛ مثل ستاد اجرائی فرمان امام و بنیاد مستضعفان. اینها ابتدا به‌عنوان سازمان‌های موقت به وجود آمدند؛ اما کم‌کم ادامه پیدا کردند. خب چنین سازمان‌هایی هم سرمایه‌های هنگفتی در اختیار دارند و می‌توانند در اقتصاد کشور اثرگذار باشند؛ بنابراین اقتصاد ما امروز از بخش‌های نظامی، حکومتی، خصولتی، دولتی و خصوصی تشکیل می‌شود که به نظرم مانع برقراری عدالت در کشور است. در دنیا اقتصاد از دو بخش دولتی و خصوصی تشکیل می‌شود. بخش دولتی کوچک است و بخش خصوصی بزرگ و دولت بر بخش خصوصی نظارت دارد. چند بخش بودن ما مشکل‌ساز شده است؛ بنابراین سازمان اقتصادی ما باید اصلاح شود.

ادامه در صفحه ۶

الو شرق ۸۸۹۴۸۲۷۳

sharghline@sharghdaily.ir

پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● **گلایه از گرانی حبوبات:** قیمت تمامی حبوبات صددرصد افزایش یافته و این گرانی باعث گلایه خانواده‌های کم‌درآمد و حتی کاسبان شده است. قابل‌توجه مسئولان مبارزه با گرانی!

رقیه رشیدی از شهریار

● **لطفا قیمت روزنامه را کاهش دهید:** روزنامه «شرق» نسبت به بقیه روزنامه‌ها گران‌تر است و علاقه‌مندان برای تهیه آن در مضیقه‌اند. لطفا قیمت روزنامه را کاهش دهید و مخاطبانتان را دریابید!

عرفان

● **استخرها را با شرایط باز کنند:** مدت‌هاست استخرها به علت پیشگیری از شیوع بیماری کرونا تعطیل شده‌اند. بیمارانی هستند که به توصیه پزشک معالجشان به آب‌درمانی نیاز دارند. پیشنهاد می‌شود در استخرها تب‌سنج بگذارند و با این شرایط پذیرای مراجعان باشند.

امیرعلی زارچی

● **تنباکوهای غیراستاندارد:** تولید، بسته‌بندی و توزیع تنباکوهای غیراستاندارد که مشخص نیست در چه مکان‌هایی و به طور غیرقانونی انجام می‌شود، استعمال قلیان با این‌گونه تنباکوها را برای مصرف‌کنندگان نگران‌کننده کرده است. خواهش می‌کنم افرادی که مکان‌هایی را می‌شناسند که چنین کاری انجام می‌دهند، به مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ اعلام کنند تا آنها به موضوع رسیدگی کنند.

علی از تهران

● **ورشکستگی ابزارفروشان:** عده‌ای از ابزارفروشان از سال‌های گذشته در میدان حسن‌آباد تهران در این کار فعالیت داشته‌اند، اما متأسفانه به علت شیوع بیماری کرونا مغازه‌هایشان تعطیل شده و در حال ورشکستگی‌اند. چک‌هایی که برگشت خورده یا پاس نشده‌اند از مهم‌ترین مشکلات این صنف است.

محمدرضا سیاه‌پوش به نمایندگی از طرف همکاران

● یکی از علت‌های اصلی گرانی خودرو، معامله توسط غیرمصرف‌کنندگان است؛ آنهایی که شغلشان همین است و جز سودرسانی شخصی هدفی ندارند و متأسفانه هیچ مرجعی هم با آنها به‌خاطر قیمت‌گذاری سلیقه‌ای برخورد نمی‌کند.

یک مخاطب

خبر

فرمانده نیروی زمینی ارتش خبر داد

پوشش طرح دارالشفای حضرت زهرا (س) برای بیماران صعب‌العلاج

● **ایلنا:** فرمانده نیروی زمینی ارتش گفت: تمام بیماران صعب‌العلاج این نیرو در قالب طرح دارالشفای حضرت زهرا (س) تحت پوشش کامل این طرح قرار خواهند گرفت. امیر کیومرث حیدری با اعلام اینکه شناسایی بیماران صعب‌العلاج در چارچوب آیتم‌های وزارت بهداشت است، افزود: در قدم اول ما این عزیزان را شناسایی می‌کنیم. درحال‌حاضر نیز تعداد چهار هزار و ۳۷۵ نفر شناسایی شده‌اند که امتیازات خوبی را برای آنها در نظر گرفته‌ایم. پنج امتیاز ویژه را برای بیماران صعب‌العلاج در نظر گرفتیم؛ امتیاز اول اینکه یک مستمری دائم که از عواید نزاجاست را ماهانه به حساب آنها واریز می‌کنیم. در حوزه نقل‌وانتقالات خدمتی، اختیار با خود بیمار و خانواده آنهاست که در چه منطقه‌ای خدمت کنند. او همچنین واگذاری منازل سازمانی را از اولویت‌های اصلی خواند و گفت: بیماران صعب‌العلاج بدون نوبت در لیست واگذاری خانه‌های سازمانی هستند و موضوع بعدی رهایی از خدمت است که در این حوزه نیز موجباتی را برای آنها فراهم کرده‌ایم. دیدارهای چهره‌به‌چهره، برطرف‌کردن مشکلات، پرداخت هزینه‌های درمانی، اعم از پیوند اعضا و جراحی‌ها از جمله برنامه‌های طرح دارالشفای حضرت زهرا (س) برای بیماران صعب‌العلاج است.

ثبت بیشترین زندانیان زن آزادشده توسط ستاد دیه استان تهران

● **ایلنا:** مدیر نمایندگی ستاد دیه استان تهران گفت: در سال ۹۸ آمار بی‌سابقه‌ای از آزادی زندانیان زن نیازمند جرائم غیرعمد توسط نیکوکاران ثبت شد که تعدادی از این افراد در بازدید ریاست قوه قضائیه از ندامتگاه شهری در بهمن سال گذشته با کمک ستاد دیه آزاد شدند. منوچهر رحمانی، افزود: میزان کمک به زنان زندانی نیازمند جرائم غیرعمد در تهران از سوی نمایندگی ستاد دیه طی سال ۹۸، نسبت به سال گذشته رشد ۲۳ درصدی داشته که با مرور آمارهای گذشته این رقم بی‌سابقه بوده است. در سال گذشته، تعداد ۴۰ نفر از زنان زندانی نیازمند جرائم غیرعمد که جمع میزان بدهی آنها حدود ۵۳ میلیارد ریال بوده، با پیگیری مددکاران نمایندگی ستاد دیه استان تهران، مذاکرات متعدد با شکات و دعوت به گذشت و تخفیف، قبولی اعسار از سوی مراجع قضائی، کمک‌های نقدی نیکوکاران و همچنین اعطای وام، آزاد شده و نزد خانواده‌های خویش بازگشتند.